

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

بهرام رحمانی
۱۲ دسمبر ۲۰۱۴

در حکومت تبهاران اسلامی، فساد مالی و اقتصادی عمومیت دارد!

۱

فساد مالی، رانت‌خواری، رشوه‌گیری و باج‌گیری در ایران، چنان گسترش یافته که مقام‌های ارشد حکومتی نیز به آن اعتراف می‌کنند. با توجه به اقرار مسؤولان حکومتی، فساد در تمام ارکان حکومت اسلامی رخنه کرده و به امری فراجنبی تبدیل شده و عمومیت دارد.

اما یک ویژگی دولت‌های تاقوننی حکومت اسلامی ایران، این است که به محض این که به قدرت می‌رسند به دولت قبلی حمله می‌کنند و همه مشکلات و معضلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دیپلماتیک را به گردن دولت قبلی می‌اندازند بدون این که خودشان در این عرصه‌ها اقدامات جدی دست بزنند. در حالی که از خود شیخ حسن روحانی گرفته تا وزراء و معاونانش در دولت‌های قبلی جزو مقامات و مدیران و سرکوبگران عالی‌رتبه و ارگان‌های مختلف حکومتی بودند. اکنون نیز با وجود این که بیش از یک سال و نیم از ریاست جمهوری روحانی می‌گذرد نه تنها هیچ‌کدام از وعده‌هایش عملی نشده، بلکه به طور میانگین روزانه سه نفر را اعدام می‌کنند. بنابراین رقم اعدام‌ها در این دوره، نسبت به دوره احمدی‌نژاد بیشتر است. گرانی و تورم و بیکاری نفس‌گیر است به طوری که همین هفته پیش، ناگهان قیمت نان را تا ۴۰ درصد بالا بردند. سرکوب سیستماتیک زنان، جوانان، کارگران، روشنفکران، روزنامه‌نگاران، ویلاگ‌نویسان، هنرمندان و غیره، اگر به دوره احمدی‌نژاد شدیدتر هم نباشد همچنان در همان سطح و با همان سیاست‌ها ادامه دارد.

اکنون قوه مجریه و قوه مقننه و قوه قضائیه در مبارزه با فساد اقتصادی و اختلاس با برگزاری سمیناری آن‌چنان هیاهونی راه انداخته‌اند که اگر کسی حکومت اسلامی و سران و مقامات آن را نشناسد شاید این تصور برایش پیش بیاید و از خود سؤال کند که این چه دولت «سالمی» است که با قدرت عزم کرده است تا با «فساد» در دستگاه دولتی به مبارزه برخیزد؟ حکومتی که از رهبرش تا دولتش، از بسیج تا سپاهش، از مجلس تا قوه قضائیه‌اش، از مجلس خبرگانش تا امام جمعه‌هایش، همه و همه یک مشت دزد و ریاکار و آدم‌کش و خشونت‌طلب هستند چگونه می‌توانند با فساد دولتی مبارزه کنند؟! حکومتی که ثروت‌های عمومی جامعه ایران را مانند ارث پدرشان بین «خودی»‌هایشان تقسیم می‌کند و به کشور و شهروندانش مانند اسرای اردوگاه‌های نازی نگاه می‌کند و ثروت‌هایشان را نیز به یغما می‌برد! و هرگونه اعتراض مردمی را به شدت سرکوب می‌کند!

در هر صورت اکنون دولت یازدهم به ریاست شیخ حسن روحانی که یکی از مستبدترین و امنیتی‌ترین دولت‌ها در حکومت اسلامی است تاکنون در رقابت با دولت قبلی، دزدی‌های آن را برملا می‌کرد تا خودش را «پاک‌دست» نشان دهد. اما اکنون فساد در دولت خودش نیز آغاز شده است.

دولت حسن روحانی، به محض این که به قدرت رسید با حمایت همه جانبه خامنه‌ای، سرکوب‌های سیاسی در داخل کشور را شدیدتر از گذشته ادامه داد. و در سطح بین‌المللی نیز مشغول بند و بست با دولت‌های رقیب‌شان است. دولتی که به طور میانگین، روزانه سه نفر را اعدام می‌کند و به خشن‌ترین شکلی نیز زنان و جوانان را سرکوب می‌کند به طوری که اسیدپاشی و حمله فیزیکی به زنان نیز بیشتر محصول سیاست‌های این دوره است هرگز نمی‌تواند از فساد اقتصادی مبرا باشد.

در ادامه بحث‌مان، به گوشه‌هایی از دزدی‌های کلان در حکومت اسلامی، که برخی مواقع به رسانه‌ها نیز کشیده می‌شوند اشاره می‌کنیم.

کشف یک «فساد مالی»

علی طیب‌نیا، وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت شیخ حسن روحانی، روز شنبه ۱۵ آذرماه [قوس] ۱۳۹۳، از کشف یک «فساد مالی» در شبکه بانکی کشور با تخلفاتی به ارزش ۱۲ هزار میلیارد تومان، خبر داده و گفته است متهمان این پرونده بازداشت شده‌اند.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا»، علی طیب‌نیا که در جلسه ای درباره نحوه نظارت وزارت اقتصاد برای جلوگیری از فسادهای مالی صحبت می‌کرد، گفته است: «یکی از موارد فساد مالی در ماه‌های اخیر کشف شد که مجموعه ارزش اقدامات خلافی که در این زمینه صورت گرفت حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان بود که این موضوع در دستگاه قضائی پیگیری شد و نزدیک به صد درصد این مبلغ به بانک بازگشت و در حال حاضر نیز متهمین آن در زندان به سر می‌برند.»

او با بیان این که این ۱۲ هزار میلیارد تومان مجموع گردش چک‌های بین بانکی بلاوجه و برخی ضمانت‌نامه‌های بانکی است، اضافه کرده است: «همین موضوع سبب شد که نحوه صدور ضمانت‌نامه‌های بانکی در شورای پول و اعتبار اصلاح شود و سامانه آن با مدیریت بانک مرکزی برای جلوگیری از صدور ضمانت‌نامه‌های جعلی فعال شود که البته این اقدامات خلاف در یک بازه زمانی دو ساله رخ داده است.» اما علی طیب‌نیا، توضیح بیشتری در خصوص هویت این متهمان ارائه نکرده است.

اکبر ترکان مشاور روحانی نیز سال گذشته ضمن ابراز نومییدی از قطع زنجیره فساد و ویژه‌خواری و عده افشای فساد «ده‌ها هزار میلیاردی» در آینده نزدیک را داده بود.

«بازی با نرخ ارز»

مردم و برخی کارشناسان می‌گویند که دولت با ارز بازی می‌کند تا از این راه نیز پولی به دست بیاورد. اسحاق جهانگیری معاون روحانی، ضمن رد اتهام‌ها در مورد «بازی با نرخ ارز» ادعا کرده دولت حسن روحانی گرفتار رانت‌هایی شده است که از قبل وجود داشته و کسی هم در مورد خروج ارز «پاسخگو نیست.»

جهانگیری در بخشی از سخنان خود که خبرگزاری ایرنا به آن‌ها اشاره کرده، می‌گوید: «در دولت گذشته، ظرف کمتر از ۱۸ ماه، حدود ۲۲ میلیارد دلار از ارز مملکت به بهانه این که می‌خواهند قیمت آن را در داخل کنترل کنند، از کشور خارج شده و در بازارهای استانبول و دوی به فروش رسیده است.»

پیش‌تر احمد توکلی، از نمایندگان مجلس ایران، در ۱۵ آذر ماه ۱۳۹۳، در نامه‌ای به دولت و مجلس، گفته بود «بازی با ارز برای متعادل‌سازی بودجه به جای کاهش مصارف و افزایش منابع غیرنفتی، در واقع تحمیل هزینه عدم اراده و کاهلی دولت مردان و مجلسی‌ها، به کل اقتصاد است.»

«برداشت ۴/۱ میلیارد دلار» از حساب صندوق توسعه ملی

سخنگوی کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ایران خبر داد که این کمیسیون پس از دریافت گزارش دیوان محاسبات، «برداشت ۴/۱ میلیارد دلار» از حساب صندوق توسعه ملی را «خلاف قانون» تشخیص داده و دولت را «متخلف» شناخته است.

غلامرضا کاتب، سخنگوی این کمیسیون، روز سه‌شنبه، ۱۸ آذر ۱۳۹۳، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری تسنیم گفت: «نظر کمیسیون بر این بود که این مبلغ متعلق به صندوق توسعه ملی و سهم این صندوق از نفت بوده، ولی در حوزه عمرانی هزینه شده است.»

به گفته کاتب، طبق این بند قانون بودجه سال ۹۲ استفاده از ذخایر ارزی بانک مرکزی و منابع صندوق توسعه ملی به استثنای مجوزهای صادره این قانون برای تأمین نیازهای بودجه کل کشور به هر شکل ممنوع است.

پیش از این نیز خبرهایی مبنی بر برداشت‌های «غیرقانونی» میلیاردی دولت محمود احمدی‌نژاد از صندوق توسعه ملی منتشر شده بود.

پیش از این نیز ۱۴ نماینده مجلس ایران ۲۹ مهرماه [میزان] ۱۳۹۳، در نامه‌ای به رئیس مجلس ایران خواستند که وضعیت یک دکل نفتی گم‌شده پی‌گیری شود. به گفته آنان این دکل نفتی در سال ۱۳۹۰ به قیمت ۸۷ میلیون دلار توسط یک شرکت ترکیبی به شرکت زیرمجموعه وزارت نفت ایران فروخته شده، اما هنوز تحویل این شرکت نشده است.

به این ترتیب، هر روز ابعاد گسترده‌تر فساد مالی و اقتصادی در حکومت اسلامی ایران علنی می‌شود. این فساد مالی و سوءاستفاده‌های سران و مقامات و ارگان‌های حکومت اسلامی و نزدیکان آن‌ها، به ویژه در سال‌های اخیر ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است.

این در حالی‌ست که همه مقامات و دولت‌های حکومت اسلامی، همواره سعی کرده‌اند ساده‌زیستی و پاکدستی خود را به مردم نشان دهند اما هر از چند گاهی خبر ناپاکی و دزدی‌هایشان، آن‌هم در چارچوب رقابت‌های جناحی و کم‌کردن روی همدیگر به رسانه‌ها کشیده می‌شود.

محمود احمدی‌نژاد کابینه دولت خود را ساده‌زیست، پاکدست می‌نامید. علی خامنه‌ای، سردمدار تبهکاران و تروریست‌های حکومت اسلامی، همواره حامی دولت احمدی‌نژاد بود و آن را خدمت‌گزار مردم می‌نامید. با پایان دولت احمدی‌نژاد ابعاد گسترده فساد حاکم بر کشور به تدریج برملا شد، به گونه‌ای که احمد توکلی، کارشناس اقتصادی مجلس اقرار کرده که حکومت اسلامی به مرحله «فساد سیستماتیک» رسیده است.

فاضل خداداد

«فاضل خداداد» که به اتهام تبانی با کارمندان بانک صادرات ایران و ۲۳ میلیارد تومان اختلاس از این بانک به اعدام محکوم شد. «خداداد» نخستین مجرم اقتصادی اعدامی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران بود. او تا شهریور ۱۳۹۰ رکورددار اختلاس در ایران بوده و پس از او «الف.خ» بود که با تخلف سه هزار میلیارد تومانی خود، متهم بزرگ‌ترین تخلف مالی در ایران شد. ریاست دادگاه پرونده اختلاس بانک صادرات بر عهده غلامحسین محسنی‌اژه‌ای بود. وی فاضل خداداد را مفسد فی‌الارض شناخته و به اعدام محکوم کرد و مرتضی رفیقدوست برادر محسن رفیقدوست دیگر

متهم پرونده را به حبس ابد محکوم کرد. خیرگزاری فارس مدعی است او یک کارمند ساده بانک صادرات بوده است. (بازخوانی پرونده‌های بزرگ فساد اقتصادی در ایران - خیرگزاری فارس - شماره خبر: ۸۸۰۳۲۵۰۴۸۴) اما محسن رفیق‌دوست گفته است خانواده خداداد در واردات و فروش میوه فعالیت داشته‌اند و کل میدان تره‌بار قدیم تهران متعلق به پدر خداداد بود. (خیلی حرف‌ها می‌ماند برای وصیتنامه - جام‌جم - ۱۷ آبان ۱۳۸۸) محسن رفیق‌دوست معتقد است پرونده خداداد بیش‌تر یک جنجال سیاسی بوده و او هیچ‌وقت بیش‌تر از سه میلیارد تومان به بانک صادرات بدهکار نبوده است. محسن رفیق‌دوست معتقد است پرونده خداداد بیش‌تر یک جنجال سیاسی بوده و او در هنگام دستگیری فقط سه میلیارد تومان به بانک صادرات بدهکار بود و مرتضی رفیق‌دوست هم تمام بدهی خود را تسویه کرده بود. به گفته وی ۱۲۳ میلیارد تومان کل گردش حساب فاضل خداداد در طول ۱۰ ماه بوده و به تعبیر رئیس دادگاه، میانگین پولی که در این ۱۰ ماه از بانک خارج شده بود، یک میلیارد تومان بود.

ریاست بنیاد مستضعفان تا سال ۶۸ بر عهده نخست وزیر وقت میرحسین موسوی بود. با مرگ خمینی و جانشینی او توسط علی خامنه‌ای فعالیت‌های اقتصادی نظامیان و نهادهایی که خارج از کنترل دولت و نهادهای نظارتی و به طور مشخص زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی قرار دارند، بیش از پیش در هم تنیده شد. بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، ستاد اجرائی فرمان امام و آستان قدس رضوی مهم‌ترین نهادهایی هستند که زیر نظر رهبر فعالیت می‌کنند و بخش بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی در ایران را در اختیار دارند.

از آن زمان وزیر پیشین سپاه، محسن رفیق‌دوست از سوی خامنه‌ای به این سمت منصوب شد. بنیاد در سال ۶۸ بیش از ۸۰۰ شرکت مصادره‌ای را در اختیار داشت و با مصادره اموال مالکان بزرگ و وابستگان و نزدیکان به حکومت پهلوی بزرگ‌ترین زمین‌دار کشور محسوب می‌شد.

اسکله‌های غیرمجاز

با به قدرت رسیدن محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶، در مجلس ششم تحقیق و تفحص‌هایی درباره فساد مالی در سازمان صدا و سیما و قاچاق کالا توسط سپاه و از طریق اسکله‌های غیرمجاز انجام شد که با واکنش‌های موافق و مخالفت فراوانی روبه‌رو بود اما نتیجه‌ای در بر نداشت.

دولت هاشمی رفسنجانی

دولت رفسنجانی به نام «سازندگی»، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری فساد سازمان‌یافته و رانت‌خواری فراگیر در ایران داشته است. او بعدها، ظاهراً منتقد دخالت نظامیان در اقتصاد شد.

رفسنجانی پیش از انتخابات سال ۹۲ در دیدار با استانداران سابق گفته است: «مهندسی رزمی سپاه امکاناتی از جنگ داشت که در سازندگی کشور می‌توانست مؤثر باشد و ما در آن زمان پروژه‌هایی مثل راه‌سازی به آنان دادیم، هم برای کشور مفید بود و هم برای سپاه، اما حالا سپاه نبض اقتصاد، و سیاست خارجه و داخله را در دست گرفته و به کمتر از کل کشور راضی نیست.»

بعدها سپاهیان که در رسانه‌ها، مجلس و دستگاه اجرائی نفوذ قابل توجه و مؤثر پیدا کردند به شبکه‌های وسیعی از نیروهای نظامی، اطلاعاتی و امنیتی وصل هستند که حکومت ادامه حیات خود را مدیون قدرت نظامی و امنیتی و سرکوبگرانه آن‌هاست.

وجود فساد فراگیر در ایران، از همان آغاز به قدرت رسیدن حکومت اسلامی، عملیات تروریستی علیه مخالفان و کمک به گروه‌های مذهبی تروریستی در خاورمیانه آغاز شد، با جنگ ایران و عراق شده یافت و در دوران ریاست جمهوری

علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی به اوج خود رسید به طوری که تاکنون هزاران خبر و مطلب در این‌باره در رسانه‌های رسمی و نیمه‌رسمی داخل کشور و در خارج کشور در رسانه‌های بین‌المللی و اپوزیسیون منتشر شده است. بسیاری از مسؤولان دولت، دستگاه قضائی، نمایندگان مجلس، نهادهای نظارتی خبرها، گزارش‌های فراوانی منتشر کرده‌اند که در آن افراد، دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی به فساد و رانت‌خواری متهم می‌شوند. اگر واقعا این اتهام‌ها با جدیت پیگیری می‌شد تاکنون باید هزاران نفر از مقامات و مدیران عالی‌رتبه حکومتی، باید به جرم اختلاس، رانت خواری و کلاهبرداری محاکمه و روانه زندان می‌شدند و اسامی‌شان نیز به جامعه اعلام می‌شد.

شهرام جزایری عرب

«شهرام جزایری عرب»، در سال ۱۳۸۱ در ۲۹ سالگی و در جریان بزرگترین و جنجالی‌ترین پرونده فساد اقتصادی ایران بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران بازداشت شد. او فعالیت تجاری خود را از دستفروشی شروع کرد. در بزرگترین پرونده مفاسد اقتصادی دولت اصلاحات یعنی پرونده شهرام جزایری هم جرم اصلی نه اختلاس و برداشت وجوه بانکی، بلکه دریافت وام‌های هنگفت از سیستم بانکی بود که مجموع رقم وام‌های باز پس‌نداده‌شده شهرام جزایری حدود ۸۰ میلیارد تومان اعلام شد که البته اسناد و وثیقه‌های این وام‌ها نیز نزد بانک موجود بوده است.

«مژده‌ی» اتهامات جزایری را ایجاد و تأسیس حدود ۵۰ شرکت مختلف بازرگانی، کسب اعتبار موهوم از طریق مانورهای متقلبانه، برداشت ۳۸ میلیارد و ۱۰ میلیون ریال به دفعات مختلف و پرداخت آن به اشخاص به عنوان رشوه، جعل اسناد اعلام کرد. تبانی در معاملات دولتی، اغوای مسؤولان بانک‌ها، تسهیل و دریافت ارز، عدم به کارگیری تسهیلات در امر صادرات و واردات و ایجاد رکود در امر صادرات و واردات، تهیه پیمان‌نامه‌های غیرقانونی و اخذ مقادیر قابل توجهی از این طریق از جمله کیفرخواست نماینده مدعی‌العموم است.

علی مژده‌ی نماینده مدعی‌العموم در دادگاه ضمن قرائت کیفرخواست صادره درباره شهرام جزایری به تشریح مشخصات متهمان و عناوین اتهامی هر یک از آنان پرداخت. در آن پرونده شهرام جزایری با اتهامات بسیاری از جمله ارتشا، صادرات غیرقانونی، جعل اسناد دولتی و اختلاس‌های کلان روبه‌رو شد و بیش از ۵۰ نفر به عنوان شرکای جرم وی روانه دادگاه شدند که اغلب آنان را فرزندان مسؤولان تشکیل می‌دادند. شهرام جزایری در آن دادگاه به ۲۷ سال حبس محکوم شد ولی پس از اعتراض وی به حکم دادگاه، دیوانعالی کشور حکم دادگاه را نقض و دستور رسیدگی مجدد به پرونده او را صادر کرد.

شهرام جزایری بابت اتهاماتش به ۱۱ سال حبس تعزیری، رد مبلغ ۴۸ میلیون و ۶۰۰ هزار و ۱۸۵ دالر آمریکا به بانک ملی ایران و صندوق ضمانت صادرات، پرداخت جزای نقدی معادل دوبرابر مبلغ فوق‌الذکر (۹۷ میلیون و ۲۰۰ هزار و ۳۷۰ دالر آمریکا) به صندوق و محرومیت از فعالیت بازرگانی در بخش صادرات و واردات و نیز محرومیت از اخذ هرگونه تسهیلات بانکی اعم از ریالی و ارزی به مدت ۱۰ سال محکوم شد.

حتی درباره شهرام جزایری، نخست سناریوی ساختند که گویا او از دست ماموران فرار کرده و از کشور خارج شده است. سپس مدعی شدند که «سربازان غیبی امام زمان» او را در یکی از شیخ‌نشین‌های منطقه دستگیر کرده و به ایران انتقال داده‌اند.

پرونده شرکت المکاسب

پرونده شرکت المکاسب یکی از جنجالی‌ترین نمونه‌های فساد مالی بود که نهایتاً با حکم دادگاه و تبرئه‌کردن همه متهمان به خاطر «عدم‌آگاهی» مختومه شد. دادگاه به خاطر بیماری قاضی زارع بیش از دوسال به طول انجامید. این پرونده به

دلیل متهم شدن «ن. و» فرزند یکی از مسؤولان سرشناس، از اهمیت بیشتری برخوردار بود. شرکت مکاسب وابسته به بانک ملی ایران در سال ۱۳۶۳ تأسیس شد. این مؤسسه به همراه چند شرکت دیگر در سال ۱۳۷۵ به مؤسسه خصوصی همیاری کوثر واگذار شدند. اما شرکت خصوصی همیاری کوثر در واقع متعلق به همان مدیران وقت بانک ملی بود که یکی از متهمان پرونده مکاسب هم یکی از روسای بانک مذکور است. در پرونده مکاسب هم پای مردان میانسالی در میان بود که پروژه فساد مالی را کلید زده بودند اما به هر حال این پرونده به دلیل «نبود آگاهی» مختومه شد. یک سال پس از مختومه شدن پرونده مکاسب در سال ۷۶ «افشای مفاسد مالی»، باز هم به یکی از موضوعات جذاب سیاسی کشور تبدیل شد و این بار شهردار وقت تهران در سال ۱۳۷۶ با اتهامات مالی روبه‌رو شد و در سال ۱۳۷۷ بازداشت و در دادگاهی که غلامحسین محسنی‌اژه‌ای قاضی آن بود با وکالت بهمن کشاورز و مسعود حائری محاکمه شد. شهردار تهران به اتهام برداشت ۲۶۰ میلیون تومان جهت ستاد کارگزاران، ۲۵ میلیون تومان به تاجران و تقوamنش نامزدهای انتخابات مجلس، ۶۰ میلیون تومان به بهزادیان، ۸۷ میلیون تومان برای خود، خرید ۹۰ هزار دلار از حساب مدیران شهرداری و پرداخت به نماینده جمهوری اسلامی در نیویورک، پرداخت ۵۰ میلیون تومان به تعدادی از مدیران شهرداری به سه سال زندان و ۱۰ سال انفصال از خدمات دولتی و بازگرداندن اموال محکوم شد. او همچنین به دلیل تضییع سه‌ونیم میلیارد به چهار سال حبس و ۶۰ ضربه شلاق تعلیقی محکوم شد.

پرونده فساد سه هزار میلیاردی

پرونده فساد سه هزار میلیاردی یکی از مهم‌ترین پرونده‌های فساد مالی طی سال‌های اخیر است که در دوران محمود احمدی‌نژاد مطرح شد. یکی از متهمان این پرونده سوم خردادماه سال گذشته اعدام شد. احتمالاً اعدام این فرد دلایل دیگری غیر از فساد اقتصادی داشت. چرا که اوایل انقلاب هم یک نفر به دلیل فساد مالی اعدام کردند که بعدها گفته شد اعدام او دلایل سیاسی داشت.

با مشخص شدن ابعاد تخلف سه هزار میلیاردی احمد توکلی گفت: «خودکشی پیشکش دولت، از سمت خود استعفا دهید.» اما حسینی وزیر اقتصاد وقت دلیل عدم استعفای خود را «بی‌ارزش بودن استعفای خاموش در برابر استیضاح روشنگرانه» دانست و قسم خورد که از وقوع جرم در پرونده فساد بانکی اخیر بی‌اطلاع بوده و از مردم عذرخواهی کرد.

ماجرای تخلف سه هزار میلیاردی که تقریباً هم‌زمان با بیمه ایران افشا شد، از این قرار بود که مه‌آفرید امیرخسروی با نام مستعار امیرمنصور آریا مدیرعامل «شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا» و رئیس هیات مدیره باشگاه ورزشی داماش ایرانیان مردی ۴۳ ساله است. این شرکت هلدینگ بود که مجموعه وسیعی از شرکت‌های فعال در بخش‌های مختلف صنعت و همچنین فعالیت‌های ورزشی را در اختیار داشت. موافقت بانک مرکزی برای تأسیس بانک انتقادات گسترده‌ای از بانک مرکزی را رقم زد اما از فعالیت این بانک جلوگیری شد.

«آریا» ابتدا با دامداری شروع به فعالیت اقتصادی کرد و بعد از مدتی از طریق جلب مشارکت نماینده رودبار توانست کارخانه آب معدنی را در روستای داماش راه‌اندازی کند. شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا در سال ۸۹ در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اقداماتی مشکوک توانست ۹۶/۹۴ درصد از سهام ماشین‌سازی لرستان، ۲/۹۵ درصد از سهام گروه صنعتی فولاد ایران، ۹۵ درصد از سهام مهندسی خط و ابنیه فنی راه‌آهن (تراورس) و ۵/۳۹ درصد از سهام فولاد اکسین خوزستان را خریداری کند. گفتنی است «شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا» در ۲۸ خرداد ۱۳۸۵ با سرمایه ۵۰ میلیون تومانی تأسیس شده است!

مجموعه شرکت‌های زیر نظر امیرمنصور آریای ۴۳ ساله بی‌شبهات با مجموعه فعالیت‌های اقتصادی بابک زنجانی ۳۹ ساله نیست. امیر خسروی مالک برخی مجموعه‌های صنعتی از جمله: شرکت آب معدنی داماش گیلان، باشگاه ورزشی داماش ایرانیان، شرکت داماش‌ترابر ایرانیان، شرکت آهن و فولاد لوشان، شرکت پخش امیرمنصور ایرانیان، شرکت خدمات مهندسی کشاورزی میثاق گیلان، شرکت شفاف شیمی‌پلاست، شرکت صنایع غذایی دریاچه گهر لرستان، گروه صنعتی نمونه منصور گیلان، گروه «ملی» صنعتی فولاد ایران، شرکت گردشگری و جهانگردی ستاره درخشان درفک، شرکت مشاوره و مدیریت تدبیر منصور، شرکت معدن‌شکافان تهران، شرکت مهندسین مشاور مدیریت پردازش‌زمان، شرکت نوآوران صنعت الکترونیک قم، شرکت تجارت‌گستران منصور، شرکت سامانه‌های برنامهریزی منابع کرانه، شرکت سبک‌سازان لوشان (سهامی خاص)، شرکت کیمه‌طرح ایرانیان، شرکت ماشین‌سازی لرستان، شرکت تراورس و بانک آریا است. مه‌آفرید امیرخسروی با «اقدام به دریافت وام‌های هنگفت بانکی، خرید شرکت‌های دولتی با پیش‌قسط حاصل از وجوه سیستم بانکی و گشایش اعتبارهای مکرر می‌کند.» و سرمایه خود را افزایش می‌دهد. امیرمنصور آریا یا مه‌آفرید خسروی برادر کوچک خانواده است و سه برادر دیگرش نیز در فعالیت‌های اقتصادی وی شریک هستند که مهرگان، مردآویج و مسعود امیرخسروی نام دارند. مهرگان متولد ۱۳۴۲ است و از دوسال پیش همسر و فرزندانش در کانادا زندگی می‌کنند. بعد از دستگیری مه‌آفرید در مرداد ۱۳۹۰، مهرگان که در ترکیه به‌سر می‌برد، به کانادا گریخت. مردآویج و مسعود امیرخسروی نیز ساکن تهران هستند اما همسر و فرزندانش مسعود ساکن تگزاس.

رسانه‌های ایران از محمودرضا خاوری، رئیس پیشین بانک ملی و محمد جهرمی، رئیس پیشین بانک صادرات به عنوان دو «متهم» پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی نام می‌برند. مسؤولان قوه قضائیه حکومت اسلامی، بارها وعده داده‌اند که به تخلفات احتمالی محمد جهرمی در مراحل بعدی دادگاه این پرونده رسیدگی می‌شود. محمود رضا خاوری دیگر «متهم» این پرونده نیز در هفته اول مهر ماه ۱۳۹۰ به کانادا فرار کرد و به ایران بازنگشت.

بابک زنجانی

بابک زنجانی که از قضا با سه تن از روسای جمهور سابق، یعنی رفسنجانی، خاتمی و احمدی‌نژاد رابطه خوبی داشته و با حسن روحانی نیز از سابق آشنا بوده و با همه آن‌ها نیز عکس‌های «یادگاری» دارد. او به گفته خودش، مالک بیش از ۷۰ شرکت و ده‌ها میلیارد دالر سرمایه در ایران و خارج از کشور است. بابک زنجانی در عرض کمتر از چندماه تبدیل به یک چهره آشنا و نامی شناخته‌شده در ایران شد. زنجانی مالک و رئیس هیات مدیره «هلدینگ سورینت» به سرمایه‌ای بالغ بر ۲۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان دست می‌آید. او می‌گوید این رقم عجیب و غریب در این مدت تنها با «یاری خدا» حاصل شده و هیچ‌گونه دست‌های پشت‌پرده یا سفارش‌های آقایان از بالا در کار نبوده؛ او معتقد است تنها گاهی اوقات شناس به یاری‌اش آمده و فقط و فقط «خدا برایش خواسته» است با این حال او در حال حاضر در زندان اوین به علت «فساد مالی» بازداشت است. او مالک ۶۴ شرکت داخلی و خارجی است و مدیریت حدود ۱۷ هزار کارمند را بر عهده دارد؛ شرکت هلدینگ توسعه سورینت قشم، اولین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی در مالزی، سهامدار شرکت هواپیمایی انور ترکیه، مؤسسه مالی اعتباری در امارات، بانک ارزش تاجیکستان، باشگاه فوتبال راه‌آهن و هواپیمایی قشم بخشی از دارایی‌های زنجانی است.

طبق گفته بابک زنجانی وی در کل فقط حدود ۱۰ میلیارد دلار بدهکار است. او درباره بدهی‌های خود هم می‌گوید: «وزیر نفت گفته است من بیش از دو میلیارد دلار بدهی دارم اما بدهی من به این وزارتخانه یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون یورو بیشتر نیست.»

اگرچه ارقام بیش‌تری از میزان بدهی زنجانی بابت وجوه فروش نفت در سطح ۸/۲ میلیارد دلار نیز مطرح شده، اما خود زنجانی می‌گوید کل معاملات نفت وی برای شرکت نیکو و نفت یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون یورو بوده است که یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون یورو از این مبلغ در حساب‌های بانکی وی در مالزی بلوکه شده و به دلیل قطع سوئیفت این بانک امکان انتقال آن به ایران را ندارد. زنجانی در دسامبر ۲۰۱۲ توسط اتحادیه اروپا به دلیل آنچه «کمک به دورزدن تحریم‌ها از طریق داشتن نقش کلیدی در تجارت نفت ایران و انتقال پول مربوط به فروش آن به دولت ایران» خوانده شد، در فهرست تحریم قرار گرفت. خودش در مصاحبه با رویترز ورود به این فهرست را اشتباه خوانده و گفته کاری خلاف قواعد اتحادیه اروپا نکرده و نفت را در کشورهای معاف از تحریم و طبق قوانین بین‌المللی فروخته است. او همچنین در این مصاحبه می‌گوید یک مجموعه تجاری خصوصی دارد که هیچ رابطه خاصی با دولت ایران ندارد و شرکت نفتی او در عراق فعالیت تجاری می‌کند.

اتحادیه اروپا بابک زنجانی را متهم کرده که در یک جزیره کوچک مالزی در سال ۲۰۱۲ میلیون‌ها بشکه نفت را از نفتکشی به نفتکش دیگر منتقل کرده و به این ترتیب با پنهان‌کردن ایرانی‌بودنش، آن را در بازار آزاد فروخته است. وی گفته در مجموع ۲۴ میلیون بشکه نفت را به خریدارانی در سنگاپور، مالزی و هند فروخته و سپس پول فروش نفت را از طریق «نخستین بانک اسلامی مالزی» که اکنون در فهرست تحریم‌ها قرار دارد، منتقل کرده است. او و مؤسسه‌های مرتبط با او در آوریل ۲۰۱۳ نیز توسط آمریکا به پولشویی برای دورزدن تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران متهم شده‌اند. دیوید کوهن، معاون وزارت دارایی آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی، با اعلام این خبر، ایران را به توسل به تمهیدات مجرمانه و پولشویی برای جابه‌جایی نفت و پول خود متهم کرد. در واقع نام زنجانی بیش‌تر از زمانی که در فهرست تحریم‌های آمریکا و اروپا قرار گرفت مطرح شد زیرا با توجه به این که اتحادیه اروپا و آمریکا یک فرد غیردولتی و غیرنظامی ایرانی را به ندرت در فهرست تحریم‌ها قرار می‌دهند، این سوال مطرح شد که آیا وی از نیروهای دولتی است یا وابستگی به فعالیت‌های دولت دارد. بابک زنجانی یکی از افرادی بود که در فیلم افشاگرانه محمود احمدی‌نژاد در جلسه مجلس در ۱۵ بهمن سال ۹۱ حضور داشت. این فیلم مربوط به ملاقات سعید مرتضوی، رئیس سابق سازمان تأمین اجتماعی و فاضل لاریجانی بود.

رضا ضراب

نام رضا ضراب هم‌زمان با افشای فساد مالی در ترکیه به گوش رسید. هر چند پیش از این ضراب به علت ازدواج با «ابرو گوندش» خواننده ترک مطرح شده بود، اما ماجرای فساد مالی در ترکیه و تغییرات در کابینه این دولت و ارتباط ضراب با بابک زنجانی نام این تاجر ایرانی را بیش از پیش مطرح کرد.

در زمان جنگ، خانواده ضراب به دوی رفته و رضا پسر کوچک خانواده در ترکیه مانده و آنجا به فعالیت می‌پردازد که پس از چند سال حسین ضراب پس از بازگشت به ایران کارخانه فولادسازی «تیکمه‌داش» را تأسیس می‌کند. این کارخانه هم‌اکنون به نام اوست و هم‌چنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد. مدیرعامل این کارخانه حسین ضراب پدر رضا و رئیس هیات‌مدیره کارخانه هم «رضا ضراب» پسر او است. آگهی تأسیس کارخانه به طور کلی به‌نام خانواده ضراب است. در سال ۱۳۸۶ طرح توجیهی ساخت کارخانه فولاد کاوه تیکمه‌داش در سفر استانی هیات دولت مستقیمی از طرف خود «ضراب» در جلسه تقدیر رئیس‌جمهوری از کارآفرینان تبریزی به او (احمدی‌نژاد) داده شده و در پایان جلسه

دستور موافقت «احمدی‌نژاد» صادر می‌شود. سرانجام در مدت کوتاهی کلنگ افتتاح کارخانه فولاد کاوه تیکمه‌دش با حضور مقامات کشوری و استانی به زمین زده شد. تأسیس و اداره شرکت بین‌المللی واردات و صادرات، تأسیس و فعالیت کشتیرانی (در استان بول ترکیه)، کارخانه فولادسازی (در تیکمه‌دش آذربایجان شرقی)، صراف (در دوی) و... از جمله فعالیت‌های پدر رضا ضراب عنوان شده است. پسر جوان این ضراب ثروتمند هم علاوه بر این که در استان بول مالک هلدینگ «رویال» است، در تجارت سنگ‌های قیمتی نیز فعال است و ۴۶ درصد صادرات طلای ترکیه را در اختیار دارد، در ایران نیز فعالیت تجاری دارد. «شرکت فولادگستران قائم سهند، شرکت صنایع فولاد سدید تیکمه‌دش، شرکت فولادسازان نصر تیکمه‌دش، شرکت مجتمع صنایع فولاد قائم تیکمه‌دش، شرکت صنایع فولاد نوین تیکمه‌دش، شرکت صنایع فولاد کاوه تیکمه‌دش، شرکت صنایع نورد مهر تیکمه‌دش، شرکت صنایع ذوب‌الغدير تیکمه‌دش و شرکت مجتمع صنعتی آذر سهند تیکمه‌دش» از جمله شرکت‌هایی هستند که رسانه‌ها، رضا ضراب را به‌عنوان عضو هیات‌مدیره آنها معرفی کرده‌اند. این شرکت‌ها به جز صنایع فولاد کاوه، در دو تاریخ یعنی در تاریخ ۲۹ و ۱۵ آبان سال ۸۷، تأسیس شده‌اند. ضراب در یکی از اعتراف‌هایش اعلام کرد بابک زنجانی رئیس اوست. زنجانی در ایران و ضراب در ترکیه بازداشت هستند باید دید نام چه افراد دیگری در پرونده اختلاس بزرگ مطرح خواهد شد.

امروز فساد مالی و اقتصادی حکومت اسلامی ایران به کشور همسایه ترکیه نیز رسیده است؛ یک نماینده مجلس می‌گوید که سر اصلی فساد اقتصادی ترکیه، در ایران است.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، محمدرضا تابش، نماینده مردم اردکان در مجلس در این رابطه می‌گوید: «در ترکیه ۱۰ نفر از وزرا در ارتباط با این پرونده مستعفی یا برکنار شدند و برخی وابستگان آن‌ها نیز بازداشت شده‌اند، مردم هم تظاهرات کرده و خواستار برکناری دولت هستند در حالی که سر اصلی قضیه در ایران است اما هیچ مقام رسمی و مسؤولی در داخل کشور به این موضوع واکنش نشان نداده است. ما که منادی اسلام ناب محمدی هستیم و دیگران را سلفی و تکفیری می‌دانیم، باید نسبت به ادعاهای مان صادق باشیم و ملاک تصمیم‌گیری‌ها و برخوردهای مان تعالیم منبعث از اسلام ناب باشد.»

به گزارش سایت آینده، اطلاعات تازه از این پرونده نشان می‌دهد که مافیای بانکی ایران برای پولشویی چهار میلیارد یورو حق‌العمل دریافت کرده است.

دستگیری رضا ضراب در ترکیه و در پی آن متهم شدن بسیاری از فرزندان مقامات و مسؤولان دولتی ترکیه به دریافت رشوه و پولشویی، زلزله‌ای سیاسی اقتصادی در ترکیه پدید آورده است که تا کنون ده تن از وزیران دولت ترکیه را قربانی خود کرده است.

سایت آینده می‌نویسد: «در این میان وضعیت طرف ایرانی ماجرا در هاله‌ای از ابهام و سکوت است.» به نظر می‌آید منظور «طرف ایرانی» همان بابک زنجانی است که رضا ضراب برای او کار می‌کرده است.

گفته می‌شود حق‌العمل پولشویی ۸۷ میلیارد یورو معادل ۵ درصد آن یعنی چهار میلیارد یورو بوده است که عاید مافیای بانکی ایران، یا به گفته برخی از منتقدان داخلی بابک زنجانی، شده است.

چهار میلیارد یورو معادل است با ۱۲ هزار میلیارد تومان و این چهار برابر اختلاس سه هزار میلیاردی تومانی است که دادگاه آن در ایران چندین سال به طول انجامید و سرنویشت آن تا کنون در هاله‌ای از ابهام مانده است.

به گزارش همشهری، از چهارشنبه هفته گذشته به بهانه دستگیری مدیرعامل هالک بانک ترکیه که یکی از راه‌های انتقال ارز به ایران است، بهای دالر با افزایش مواجه شد. رخدادی که در ترکیه به تغییر ۱۰ وزیر کابینه منجر شده، بازار ایران را نیز تحت تاثیر قرار داده است.

رضا ضراب به اتهام مشارکت در پول‌شوئی ۸۷ میلیارد یورویی، قاچاق طلا و پرداخت رشوه به مقامات ترکیه برای فعالیت‌های مالی غیرقانونی در روز ۱۷ دسامبر سال گذشته میلادی بازداشت شد. رسانه‌های ترکیه در همان زمان از قول مقامات دادستانی گزارش دادند که ضراب در بازجویی‌ها ادعا کرده است که رئیس وی بابک زنجانی است. ضراب بعد از چند ماه بازداشت روز ۲۸ فوریه، نزدیک به سه هفته پیش، به قید وثیقه آزاد شد.

محمدرضا رحیمی

محمدرضا رحیمی، معاون اول رئیس جمهور سابق هم با اتهام اختلاس روبروست و در حال حاضر با قید وثیقه آزاد است. بنابر گزارش رسانه‌های دولتی، همچون روزنامه ایران، محمدرضا رحیمی به ۱۴ سال حبس و پرداخت ۴ میلیارد تومان جزای نقدی محکوم شده است. پرونده او بر اساس درخواست وکیلش هم اینک در دیوان عالی کشور، در انتظار تجدیدنظر است.

دو نماینده مجلس چندی پیش از کشف پرونده تازه‌ای از فساد مالی در دولت دهم خبر داده و گفتند مدارک این اختلاس را در دست دارند. به گفته آنان ۳ صراف در سال ۱۳۹۰ با استفاده از رانت و همکاری با بانک مرکزی توانستند ۷ هزار میلیارد تومان سود ببرند. کمیسیون اقتصادی مجلس «تمام اسناد و مدارک» مربوط به این رسوایی مالی را گردآوری کرده و پرونده نیز به قوه قضائیه ارسال شده است.

وکیل محمدرضا رحیمی می‌گوید پای ۱۷۰ یا ۱۸۰ نماینده اصولگرای مجلس در پرونده فساد سیاسی و اقتصادی معاون اول سابق رئیس جمهور، گیر است و رحیمی به آن‌ها پول داده تا در انتخابات هزینه کنند. محمدرضا رحیمی به میلیاردها تومان اختلاس در چند پرونده مختلف و رانت‌خواری متهم است که مشهورترین آن‌ها پرونده اختلاس از بیمه ایران است.

پرویز سروری، سردار سابق سپاه و نماینده مجلس هشتم، نیز همان زمان فاش کرده بود که رحیمی ۹۰۰ میلیون تومان را به عنوان «کمک افراد خیر به مساجد» به نمایندگان مجلس هفتم و هشتم پول داده تا هزینه تبلیغات انتخاباتی کنند. در تازه‌ترین افشاگری، دو نماینده مجلس شورای اسلامی ایران مدعی شدند که ۳ صراف در سال ۱۳۹۰ با استفاده از رانت و همکاری با بانک مرکزی توانستند ۷ هزار میلیارد تومان سود ببرند.

ارسلان فتحی‌پور، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اعلام این خبر گفت که کمیسیون اقتصادی مجلس «تمام اسناد و مدارک» مربوط به این رسوایی مالی را گردآوری کرده و پرونده نیز به قوه قضائیه ارسال شده است. هم‌زمان کمال‌الدین پیرموزن، نماینده مردم اردبیل در مجلس شورای اسلامی نیز روز چهارشنبه ۹ مهر، خواستار پیگیری قضائی و جدیت مجلس درباره این پرونده شد. وی از آن به عنوان «پرونده ۷ هزار میلیارد تومانی» یاد کرد. پیرموزن به «باشگاه خبرنگاران جوان» که از رسانه‌های وابسته به صدا و سیمای جمهوری اسلامی است، گفت که اهمیت این پرونده تازه از پرونده اختلاس معروف «۳ هزار میلیارد تومانی» بیش‌تر است.

با اعلام خبر کشف این فساد مالی هنگفت، محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت یازدهم به این موضع بسنده کرد که «دولت در صورت لزوم» پیگیری‌های لازم را انجام خواهد داد.

ادامه دارد